

تهمینه محبی

# سفالگر

در گفت گو با داریوش نخعی



تهمینه محبی، ساکن تبریز و در همان جا به کار سفالگری مشغول است و کارهای درخور توجهی در این زمینه کرده است. داریوش نخعی که در طراحی موزه‌ی آب تبریز نقشی مؤثر دارد، در مسافرتی به آن شهر با خانم محبی گفت و گویی کرده و او را شناسانده است. گر چه خود معتقد است که کار هنرمند را باید دید و نه این که خواند!

**چگونگی آموزش این هنر را بیان کرده و از استادانی که در این راه بهره برده‌اید نام ببرید؟**  
در هنرستان هنرهای زیبای تبریز تحصیل کرده و در محضر استادانی چون، آقایان طباطبائی و فاسونکی با هنر آشنا شده و با وجود این که رشته‌ی اصلی من نقاشی است، چند سالی است که در زمینه‌ی سفالگری بطور جدی مشغول به کار هستم.

**چند سال است که در این رشته به‌طور مستمر فعالیت می‌کنید؟**

حدود ۱۲ سال است که از طریق کلاس‌های میراث فرهنگی با هنر سفالگری آشنا شده و مدتی است که نقاشی روی سفال را تجربه می‌کنم. در این زمینه، استاد گرامی من سرکار خانم تظهیری مقدم هستند. هم‌چنین چرخکاری را از آقایان برادران قابچی که از استادان به‌نام سفالگری تبریز هستند یاد گرفته‌ام.

در حال حاضر با گروهی به‌نام "نقش و خاک" همکاری می‌کنم که از کارهای گروهی ما "مورال دیواری موزه‌ی آب تبریز" را می‌توان نام برد. نمایشگاه گروهی "نقش و خاک" با موضوع "تابلو و شمعدان" در "گالری خاک" در سال ۱۳۸۳ یکی دیگر از فعالیت‌های این گروه است.

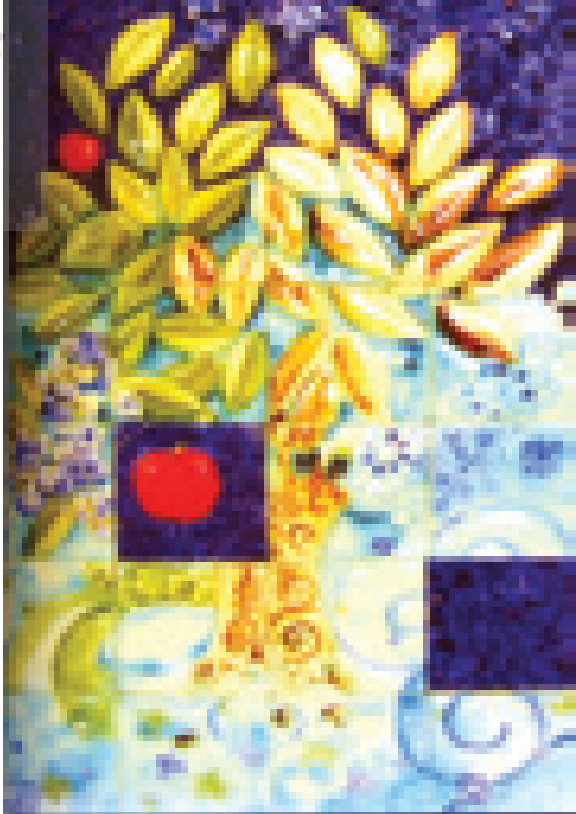
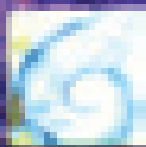
**مراحل اجرای یک اثر سرامیک را از ابتدا به‌طور مختصر توضیح دهید؟**

خاکی که من با آن کار می‌کنم، خاک سفید است که از محلی در نزدیکی منطقه‌ی زوز در نزدیکی تبریز برداشت می‌شود. برای به‌دست آوردن گل مورد استفاده، به این خاک پودر شیشه اضافه می‌شود. خاک و پودر شیشه با آب کاملاً ورز داده شده، و این گل آماده شده، قابلیت چرخکاری و ساخت کاشی و برجسته کردن و مشبک کردن و کارهای قالبی را دارد. مواد رنگینی که برای تزئین روی بدنه‌های حجم‌های ساخته شده از گل مزبور استفاده می‌شود، اکسیدها و رنگینه‌های معدنی مخصوصی است که با چسب کاغذدیواری و آب مخلوط شده و آماده می‌شود. بعد از اتمام کار رنگ‌آمیزی، حجم ساخته شده در کوره با دمای ۹۰۰ درجه پخته می‌شود. بعد از این عمل، مرحله‌ی آغشته شدن به دوغاب رقیق است. غوطه‌ور کردن در لعاب مرحله‌ی بعدی است.

آخرین مرحله‌ی پخت آن در دمای ۱۰۵۰ درجه برای دومین بار است. مشاهده‌ی نتیجه کار همیشه برای من هیجان برانگیز است چون قابل پیش‌بینی نبوده و امکان دارد خیلی جالب‌تر از آن چه انتظار می‌رفت باشد و یا برعکس اصلاً به‌دل ننشیند.

**آیا امکان تولید انبوه این اثر وجود دارد؟**

چرا که نه! اما اگر منظور شما از تولید، همان تکرار به‌وسیله‌ی ماشین و یا تکرار عمل ساخت با دست باشد، که به‌نظر من تفاوت زیادی ندارد. زیرا در این دو حالت انسان تبدیل به ماشین شده و تنها مقدار





کمی از ارزش‌هایی که در کار وجود دارد، باقی خواهد ماند. راه سومی هم وجود دارد و آن راهی است که باید سعی کرد اول به آن شکل داده و بعد آن را به‌صورتی درآورد که امکانات صنعتی را به‌گونه‌ای در جهت نیازهای زیبایی‌شناسانه هدایت کند تا ارضاکنده‌ی روح طالب زیبایی باشد.

### به نظر شما نتیجه‌ی کارتان یک اثر هنری است یا یک کالای مصرفی؟

وقتی می‌گویند هنر به‌مفهوم اخص آن یعنی "تخیل خلاق" که مهم‌ترین ویژگی اثر است و وقتی می‌گویند صنعت یعنی نتیجه‌ای که از پیش معلوم و قابل تکرار باشد. هنرمند به کمک ظرافت‌هایی که به کار می‌برد هر بار به‌بهانه خلق اثری تازه سعی در آمیزش دل‌بستگی‌ها و دل‌تنگی‌های خویش با طبیعت و سنت‌ها و عناصر مادی دارد. در مورد خودم می‌توانم بگویم گاهی هنگام کار صدایی در ذهنم به من می‌گوید امروز می‌توانی تازه‌تر باشی و من از هر که در راه پرپیچ و خم اما خوش منظره‌ی هنر آن سوی‌تر رفته باشد سوال خود را می‌پرسم. اما در پاسخ به سوال شما که هنر و مصرف را رودرروی هم قرار داده‌اید، به نظر من این سوال زیرکانه است، زیرا در قرن بیستم، صنعت و کاربرد آن در یک طرف و هنر در طرف دیگر قرار دارد. شک ندارم که خلق اثر هنری منوط به‌نوع زندگی، شرایط و تخیل خلاق هنرمند است و به‌عبارتی تشخیص مرز بین هنر و تکرار و خلاقیت، کاری بس دشوار است.

مردم کارهای مرا که به‌شکل گلدان، کاسه، قاب آئینه و ... است به‌خاطر مصرف نمی‌خرند. می‌دانم اگر محصولی خصوصیت مصرفی داشته باشد، آسان‌تر به‌خانه‌ی مردم راه پیدا می‌کند، اما این تنها دلیلش نمی‌تواند باشد. بنابراین بگذارید دوست‌داران آثارم نظر بدهند که چقدر خصوصیت هنری در آثار من می‌بینند؟

### کاربرد سرامیک را در صنعت ساختمان و معماری و در ابعاد بزرگ‌تر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کاربرد یک ماده در تکنولوژی چند هزار ساله‌ی، رابطه آتش است با آب و خاک. تاریخ نشان داده است که چگونه این ماده به تزئین بناهای زیبایی مانند مسجد کبود تبریز و یا بناهای مذهبی دیگر کمک کرده و خصوصیتی مقدس و روحانی به آن‌ها بخشیده است. لطف و صفایی به معماری داده و باعث سیال شدن خیال انسان‌هایی شده که از آن‌ها استفاده می‌کنند. همین روند در اشیاء مصرفی نیز به‌وفور دیده می‌شود. همه به‌خوبی می‌دانیم چقدر فاصله افتاده بین زیبایی با مفاهیم زمان کنونی و اشیاء یا بناهای ساخته شده، فکر می‌کنم اصلاً زیبایی گم شده است. در مورد نمای ساختمان‌ها، به‌نظر من پوست هر ساختمان مانند لباسی است که مثل انسان برتن کرده است. می‌تواند معرف خصوصیت‌های درونی او و جلوه‌ی اندیشه او باشد. گاهی فکر می‌کنم این بناها مانند آدم‌هایی هستند که به‌جای لباس، جعبه‌ی از حال رفته‌ی بد قواره‌ای پوشیده‌اند. معماری ما نیاز مبرمی به لباس مناسب دارد و منظورم بیشتر بدنه‌ی شهری و معماری داخلی است. سرامیک ماده‌ای با امکانات بسیار، در پاسخ به این نیاز است.

### کاربرد سرامیک در مبلمان شهری چیست؟

مبلمان شهری موضوع بسیار گسترده‌ای است. اجزای مبلمان شهری با شرایط محیطی خود بسیار مانوس و تابع آن می‌شوند. مثلاً از نیمکت یا پایه‌ی یک چراغ در کنار پیاده رو رفتار خاص محل و موقعیت خودش را انتظار داریم. این اثرگذاری به‌تناسب فرهنگ و کاربرد آن محل تغییر می‌کند. سازگاری اجزاء با محیط نیازمند هوش و استعداد طراحان و مجریان مبلمان شهری است. این هنرمندان، نیاز به‌ماده‌ای دارند که امکان تغییر فرم و شکل را داشته باشد. خاک و گل این توان را دارند که با تغییر ذائقه‌ی طراح هم‌قدم و همراه شوند. لعاب رنگی پخته شده نیز خصلتی دیگر به آن اضافه می‌کند. به هر حال این امکان مغتنم دچار بی‌مهری شده، ولی امیدوارم به‌زودی مانند گذشته سرامیک جایگاه خود را پیدا کند.

یاد آب‌انبارها و سقاخانه‌های قدیمی با کاشی‌های رنگی فیروزه‌ای بخیر!